

جشنهای ایرانی

مهرگان

بقیه از شماره قبل

مهرگان دو تاریخ

« گویند خسره پسر فیروز اشکانی روز مهرگانی بیار نشست هدایای بسیار پیشش آوردند فرستاده موبدان موبد نیز طبقی زرین بحضور شاه آورد که مندیلی مزین و منقش بنگار اسکندری روی آن کشیده بودند فرمود مندیل را برداشتند دو پارچه زغال افروخته در آن بود از حقارت هدیه با وجود جلال ظرفش تعجب کرد و دانست که حکمتی در آن است موبد را خواست آمد امر دو پارچه زغال را ازو پرسید گفت درین روزها در جنگلی میگذاشتم که آتش در درختانش گرفته بود باشه ای دیدم که دنبال دراجی را گرفته و دراج از مقابل او گریزان بناگاه از بیم او خود را به آتش زد باشه نیز از حرص بشکار دراج خود را در دنبال او در آتش افکند هر دو سوختند و افتادند و دو پارچه زغال شدند، من عبرت گرفتم و گفتم سزاوار نیست که مردم را ترس دشمن چنان فرو گیرد که پناه به تپاه کنند خود برد چنانکه دراج از فرط ترس خود را بسوخت و نه سزاوار است که چندان بر کالای دنیا حرص بورزد که برای رسیدن بدان بیای خود بسوی مرك رود چنانکه باشه از راه حرص چه بلائی بسر خود آورد،

خسره گفت هدیه تو خوش پندی داد و نیک بجا آمد و تا امروز چنین هدیه ای برای من نیاورده بودند (۱)»

• در روز مهرگان اردشیر پایکان تاج بر سر گذاشت (۱)
ربیع بن زیاد الحارثی در سال ۳۰ هجری در روز مهر جان بر
اهل رستاق زالق که میان فهرج و سیستان است حمله برد و ایشان را مغلوب
ساخت (۲)

خالد بن عبدالله القسری از طرف سلیمان بن هشام بن عبد الملك
عامل عراق و مشرق بود و برادر او اسد بن عبدالله از طرف او عامل خراسان،
در سال ۱۲۰ هجری روز مهرگان اسد بن عبدالله در بلخ بود امیران و
دهقانان با هدایا پیش او آمدند عامل او بر هرات ابراهیم بن عبد الرحمن
الحنفی با دهقان هرات هدیه‌ای آوردند که بهزار هزار (ندانم درهم یادینار)
تقویمش کردند تمام آنها را بحاضران مجلس بخشید (۳)

عبدالله بن طاهر در نوروز و مهرگان بسنت اردشیر و بهرام و نوشیروان
هر چه لباس در خزائن داشت میبخشید و حتی يك جامه نیز در خیزانش
نگاه نمیداشت (۴)

از کتاب القیان جاخط نیز بر میاید که در زمان او هدیه دادن
در نوروز و مهرگان عمومی و بسیار متداول بوده حتی میان عاشق و معشوق،
ابوالمقاتل نصر بن نصر الحلوانی در باره محمد بن زید بن الحسن الداعی
(که در شهریور ماه سال ۲۷۰ مطابق ماه رجب با مهارت نشست و در
۲۸۷ در گذشت) گفت (۵)

لا تغل بشری و قل لی بشریان غرة (۶) الداعی وعید المهرجان
فهو فصل فی زمان بدوی وابن زید مالک رقی الزمان
و این قصیده طویل است (۷) و گویند چون شاعر بانشاد قصیده آغاز

(۱) نخبه الدر، صاحب برهان قاطع این جمله را با جمله‌ای که در باب شکل تاج
مخصوص مهرگان نقل کردیم بیکدیگر خلط کرده و گفته « گویند اردشیر پایکان تاجی که بر آن
صورت آفتاب نقش کرده بودند در این روز بر سر نهاد » (۲) فتوح البلدان للبلاذری
(۳) طبری در حوادث سال ۱۲۰ ۴ - الجاحظ : کتاب التاج ، ۵ - در بحر رمل
مسدس سالم فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن ۶ - ن : عزة ، ۷ - مروج الذهب
در حوادث زمان المتقی لله خلیفة عباسی

کرد داعی از مطلع آن « لا تغل بشری » تطیر کرد (۱) چنانکه وقتی ابن ابی الثیاب در روز مهر جان قصیده‌ای بمدح ابن العمید ساخته بود و بر او خواند بدین مطلع :
 اقبرونیا طلت ثراك يد الطل ، ابن العمید از مفتتح قصیده بلفظ قبر تطیر نمود (۲)
 از جمله احکام فرمطیان که ابو الفداء نقل میکند یکی این است که
 در هر سال فقط دو روز مهرگان و نوروز را روزه باید گرفت (المختصر
 فی اخبار البشر چاپ مصر ج ۲ ص ۵۵)

ابن خلکان از جمله تصانیف ابوالحسن علی بن ابی عبد الله هرون بن
 علی بن یحیی بن ابی منصور المنجم شاعر مشهور متوفی بسال ۳۵۲ کتاب
 النیروز والمهرجان را می‌شمارد (ج ۱: ۳۵۶ چاپ مصر) حمزة بن الحسن
 اصفهانی نیز رساله‌ای در اشعار سایر در نوروز و مهرجان داشته
 مسعودی گوید که درین زمان (حدود سال ۳۳۲) در عراق و دیگر
 شهرهای عجم این روز را اول زمستان می‌شمارند و اصحاب مروت فرش و آلات
 و بسیاری از لباسها را تغییر میدهند (۳)

شاعری بیکمی از درباریان در روز مهرگان نوشت
 هذه ایام جرت فیها العادة ، بالطاف العبید للسادة ، وان كانت الصناعة تقصر عما
 تبلغه الهمة ، فکرت ان اهدی فلا بلغ مقدار الواجب فجعلت هدیتی هذه الابیات وهی
 ولما ن رأیت ذوی التصابی تباروا فی هدایا المهرجان
 جعلت هدیتی وداً مقیماً علی مر الحوادث والزمان
 بادوبیت دیگر (مجانف الادب ج ۳: ۲۸۱)

در زمان تألیف بیرونی کتاب الانارالباقیه را « رسم ملوک خراسان

- ۱- بیتمة الدهر للثعالبی ج ۱ ص ۱۰۶ ، علی صفی بن ملا حسین واعظ کاشفی
 در کتاب لطائف الطوائف مدح را در باره هادی خلیفه دانسته و گفته که « او مقاتل ضریح
 از فصحاء عربست (در انوار الریبع گفته هو احد شعراء الجبال) قصیده‌ای غرا در مدح
 هادی خلیفه بگفت ۰۰۰۰ هادی را خوش نیامد و بر او اعتراض کرد که ای ضریح ابتداء
 قصیده بلفظ لا کرده‌ای که کلمه نفی است و این مبارک و میمون نیست ابو مقاتل گفت هیچ
 کلمه درعالم افضل و اشرف از کلمه توحید نیست که لا اله الا الله است و ابتدا بحرف لامت
 هادی را جواب او خوش آمد و صله و افراد « منتخبات فارسیه شفر ج ۱ ص ۱۰۹
- ۲- قبر و نیا نام موضعی است ، رجوع شود بیتمة الدهر که در یک جا نوروز را
 گفته - ص ۱۰۶ ج ۱ - و در یک جا مهر جان را (ص ۷ ج ۲) و باقوت در لفظ قبر و نیا
 که در عبارت آن خلط بسیاری شده ۳- مروج الذهب چاپ قاهره ج ۱: ۲۷۰

بر این بوده است که در روز مهرگان لباس پائیزی و زمستانی سواران را میداده اند «

مهیار بن مرزویه کاتب شاعر دیلمی فارسی مجوسی که در سال ۳۹۴ اسلام آورد و مکنی بابو الحسن گردید و بمذهب شیعه درآمد از شعرای دربار آل بویه بود و در ۴۲۸ درگذشت در دیوان او قصاید بسیاری در تهنیت مهرجان است و غالب آنها تاریخ سال و حتی در کدام ماه عربی واقع بود دارد ،

خواجه ابوالفضل بیهقی متولد بسال ۳۸۵ در مقامات مسعودی یعنی تاریخ ایام سلطان مسعود غزنوی که در سال ۴۵۰ و ۴۵۱ بقید تحریر آورده است در هر سال ذکر میکند که « امیر بمهرگان بنشست » گذشته از اینها دواوین شعرای فارسی تا زمان سلجوقیان پراست از قصاید تهنیت مهرگان و معلوم میشود که در ابتدای استیلای عرب بر ایران حس ملیت بقدری قوی بوده که جشن نوروز و مهرگان و سده و بهمنگان و حتی تیرگان و عید کوسه سواری (رکوب الکوسج) را ترك نکرده و در دربار سلاطین و صدور خواه سلاطین ایرانی ایران خواه مثل سامانیان و آل بویه خواه حکام عرب و ترك مثل آل طاهر و غزنویان و خواه آنها که عرب را برعجم ترجیح میداده و تفضیل مینهادند مثل صاحب بن عباد عموماً این جشنهای ایرانی را بسیار معتبرتر و باشکوه تر از اعیاد اسلامی مثل عیدروزه و گوسفندکشان میگرفته اند اما معلوم نیست تا کی این جشنها متداول بوده اینقدر هست. که دوره فترت مغول محیط مناسبی بوده است برای از بین رفتن تمام آنچه که رنگ تمدن دارد و فقط ازین جشنها جشن نوروز بچند سبب باقی مانده است :

نخست آنکه « نوروز از زمان ملکشاه سلجوقی باین طرف در میان مسلمانان ایران در اول فصل بهار و موسم بیداری طبیعت بر پا میشود (۱) »

دوم آنکه در زمانی که مذهب شیعه مذهب رسمی ایران شد

نوروز يك جنبه مذهبی اسلامی دادند و گفتند که « نوروز روزی است که مصادف با خلافت حضرت علی، بوده است » و حقیقه هم در صورتیکه عثمان بقول مورخین روز جمعه اواسط ایام تشرین (که مطابق ۱۱ ذی الحجه میشود) مقبول شده باشد و در حقیقت اولین روز خلافت را میتوان از همان روز شمرد روز جلوس او درست مطابق روز اول فروردینماه متعارفی میافتد « (۱)

آقای تقی زاده در چند جا اظهار میل و امید کرده اند که جشن مهرگان را نیز که در اوائل یائیز است و « تاقرن ششم هجری رایج و معمول بوده زنده کنیم »

امید که نمایندگان ملت و اولیای دولت در صدد احیای این سنت ملی برآیند و بار عام روز مهرگان و تعطیل شش روزه ۱۶ تا ۲۱ مهر ماه را مقرر دارند و دید و بازدید و تهنیت و تبریک و آداب دیگری که در جشن نوروز و نظایر آن مرسوم است درین عید ملی نیز مرسوم گردد که کاخ عظمت آتیه ملت ایران بر روی اساس مفاخر سابقه آن باید برپا شود و پایداری ملیت متکی بنگاهداری آثار ملی و مرتبط باحیای سنتی است که از زمان عظمت تاریخی ملت بجا مانده است

۱ مجله کاوه، شماره ۵ - دوره قدیم، در دو کتاب المحاسن و الاضداد و الاثار الباقیه حکایت هدیه بردن دهقانان ایران حلوائی نوروزی را برای حضرت علی دیده شد

نظری باسماں

عطارد

شمیدستم که هر کوکب جهانی است جدا گانه زمین و آسمانی است
« نظامی »

عطارد از تمام سیارات به آفتاب نزدیکتر است، این سیاره از زمان خیلی قدیم کشف گردیده ولی نه اسم مکتشف و نه شهری که این دانشمند در آن میزیسته هیچ کدام معلوم نیست و گویا یکی از کلدانیان بوده است، شاید در اولین مرتبه که این ستاره را کشف کرده آنرا دوستاره